



مقدمه

بنظر می‌رسد که دولت چین همچنان طی سالهای آتی، سیاست‌های خود در منطقه جنوب شرق آسیا در زمینه تلاش برای کنترل بیشتر روند تجارت بین‌المللی در این منطقه و رویکرد مبتنی بر تقویت جزایر مصنوعی را تداوم بخشد. از سوی دیگر، با تغییر دولت در آمریکا در سال ۲۰۱۷، بنظر نمی‌رسد که حساسیت‌های کنونی در مناسبات چین و آمریکا کاهش پیدا کند. هم چین و هم ایالات متحده آمریکا، طی سالهای اخیر، سطح رقابت را از ابعاد اقتصادی افزایش داده و از طریق ایجاد اتحاد و ائتلاف‌های سیاسی-امنیتی تازه، درصدد ایجاد موازنه در برابر یکدیگر برآمده‌اند. از این رو گزارش حاضر بر آن است تا چشم‌انداز رقابت میان چین و دولت آینده آمریکا را در چارچوب محیط سیاسی-امنیتی جنوب شرق آسیا مورد بحث و بررسی قرار دهد.

تبیین موضوع

منطقه جنوب شرق آسیا با ۶۲۵ میلیون نفر جمعیت، چهارمین شریک تجاری بزرگ آمریکا محسوب

می‌شود. از این رو، حفظ توازن در این منطقه همچنان طی سالهای آینده به عنوان یک فرصت و یا چالش جدی برای دستگاه سیاست خارجی آمریکا مطرح خواهد بود. برای ایالات متحده آمریکا، دریای چین جنوبی، به مثابه بخشی از راهبرد کلان این کشور در منطقه آسیا-اقیانوس آرام محسوب می‌شود. سیاست دولت اوباما در آسیا-اقیانوس آرام مبتنی بر متوازن‌سازی قدرت بازیگران منطقه‌ای از طریق ایجاد، تقویت و گسترش پیمانهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی با بازیگران همپیمان خود در این منطقه است. این رویکرد، یعنی تلاش برای ایجاد یک معماری سیاسی-اقتصادی-امنیتی، در منطقه جنوب شرق آسیا نیز پی‌گیری شده است و بنظر می‌رسد که روند و شدت آن در سالهای آینده حتی افزایش پیدا کند. طی سالهای گذشته، رابطه آمریکا و چین در زمینه‌هایی مانند سیاست خارجی و تجارت اغلب تنش‌آلود بوده است. سه بُعد سیاست چینی‌ها از دید آمریکایی‌ها دارای اهمیت ویژه هستند: اول تلاش برای گسترش دامنه نفوذ در منطقه دریای چین جنوبی؛ دوم کنترل بر کره شمالی؛ و سوم بدهی‌های

● مذاکره با چین به منظور تغییر سیاست‌های کنترل قیمت ارز

● حفاظت از خلاقیت و سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی از طریق وادار کردن چینی‌ها برای پایبندی و حمایت از قانون مالکیت فکری و توقف اقدام ناعادلانه و غیرقانونی چین که شرکت‌های آمریکایی را مجبور می‌کند تا برای ورود به بازار چین، تکنولوژی‌های انحصاری خود را با رقبای چینی به اشتراک بگذارند

● حمایت از کار و تولید در آمریکا از طریق تغییر استانداردهای کاری و زیست محیطی سهل‌انگارانه در برابر ورود کالاهای چینی

● کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌های آمریکایی برای حمایت از آنها در برابر رقبای چینی

● کاهش بدهی و کسری بودجه دولت برای ممانعت از باج خواهی‌های مالی چین و تقویت حضور نظامی آمریکا در دریای چین شرقی و جنوبی برای تضعیف ماجراجویی چینی‌ها^۲.

وی اعلام کرده است که در صورت پیروزی در انتخابات، حضور نظامی آمریکا در دریای چین جنوبی را افزایش داده و آن کشور را مجبور به بازنگری در قراردادهای اقتصادی با آمریکا می‌کند.

در سویی دیگر، هیلاری کلینتون نامزد حزب دموکرات قرار دارد که معتقد است چین یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود. کلینتون همانند باراک اوباما ضمن تاکید بر اولویت راهبردی منطقه آسیا-اقیانوس آرام، بر لزوم مقابله جدی با روند توسعه‌طلبی چین در این

سنگین آمریکا به این کشور. دولت باراک اوباما طی سالهای گذشته از طریق تلاش برای گسترش روابط با کشورهای این منطقه از جمله برمه، ویتنام، فیلیپین و برقراری پیمانهای استراتژیک با برخی از کشورها نظیر اندونزی درصدد شکل دادن به یک نظم امنیتی جدید برآمد. نظم جدید، مبتنی بر منافع و اهداف مشترک، توسعه همکاری‌های مشترک در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی، کمک به توسعه کشورهای هدف و مقابله دسته‌جمعی در برابر چالش‌های مشترک در منطقه است^۱. بخشی از اهداف این نظم جدید شامل؛ تغییر رفتار و یا مهار چین از طریق درگیرسازی آن در حوزه پیرامونی، کنترل بر بازار تجاری و اقتصاد نوظهور منطقه و تقویت موقعیت آمریکا در حمل و نقل دریایی جنوب شرق آسیا می‌باشد.

نگاهی به مواضع نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ نیز نشان می‌دهد که حساسیت‌ها نسبت به مسائل منطقه جنوب شرق آسیا و البته رفتارهای چین، به شکل بسیار جدی‌تری مطرح هستند. دونالد ترامپ نامزد حزب جمهوری خواه ضمن تاکید بر ضرورت ایجاد تغییر در مناسبات تجاری آمریکا و چین، از اهمیت تلاش برای ایجاد یک «تجارت آزاد عادلانه» صحبت می‌کند. اولویت‌های اعلام شده دونالد ترامپ در رابطه با چین اینگونه معرفی شده‌اند:

1. Patrick M. Cronin, "Sustaining the Rebalance in Southeast Asia: Challenges and Opportunities Facing the Next Administration", MAY 20, 2016, Available at: <https://www.cnas.org/publications/reports/sustaining-the-rebalance-in-southeast-asia-challenges-and-opportunities-facing-the-next-administration>.

2. <https://www.Donaldjtrump.Com/Policies/> "Reforming The U.S.-China Trade Relationship to Make America Great Again", 2016.



حوزه تاکید می‌کند.^۳ از این رو بنظر می‌رسد که «تعامل در عین تقابل» را بتوان مشخصه بارز رویکرد دولتهای چین و ایالات متحده آمریکا طی سالهای آتی در قبال یکدیگر معرفی نمود. به معنایی دیگر، مناسبات آینده میان آمریکا و چین در ارتباط تنگاتنگی با نوع همکاری و رقابت دو کشور در منطقه دریای چین جنوبی قرار خواهد داشت.^۴

تعارضات میان بازیگران درون منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا از یک سو، و رقابت میان بازیگران فرامنطقه‌ای از سوی دیگر، موجب پیچیدگی چشم‌انداز آینده روابط چین و آمریکا در این منطقه شده است. در حال حاضر، بخش‌هایی در آمریکا از جمله پنتاگون، چین را بیش از آنکه یک شریک تجاری یا همکار تلقی کنند، به عنوان یک رقیب تعریف می‌کنند. اگرچه همکاری با چین برای نظم و امنیت منطقه‌ای و جهانی، ضروری محسوب می‌شود، با این وجود، از منظر امریکایی‌ها اقدامات قدرت‌طلبانه چین، دو چالش جدی را در رابطه با این کشور ایجاد می‌نماید: نخست اینکه؛ چین از طریق تلاش برای گسترش نفوذ منطقه‌ای خود، نظم و امنیت منطقه‌ای در دریای چین جنوبی را با تهدید مواجه می‌کند. دوم؛ نوسازی و مدرن‌سازی شتابان ارتش، می‌تواند توان نظامی آمریکا در منطقه را به چالش بکشد. این چالش‌های دوگانه در دریای چین جنوبی، ناشی از عدم تقارن منافع و درک متقابل دو کشور نسبت به یکدیگر در این منطقه می‌باشد. از

منظر چین، کنترل بر دریای چین جنوبی به عنوان هسته اصلی و حیاتی امنیت ملی یا خارج نزدیک، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در همین حال، برای ایالات متحده کنترل بر این منطقه به عنوان ابزار کلیدی برای پیشبرد و تحقق اهداف کلان این کشور برای کل منطقه آسیا - اقیانوس آرام حایز اهمیت فراوانی می‌باشد. از این رو، امریکایی‌ها برای مقابله با این روند و تقویت موقعیت خود و همپیمانانشان، درصدد ایجاد، تقویت و گسترش همکاری با بازیگران همسو در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی برآمده‌اند.

نتیجه‌گیری

شدت پویایی در منطقه آسیا-اقیانوس آرام از یک سو و نیز رقابت و عدم تقارن منافع بازیگران از سوی دیگر، موجب پیچیدگی روندهای سیاسی-امنیتی آینده در این حوزه شده است. بر این مبنا، راهبرد ایالات متحده در جنوب شرق آسیا که خود بخشی از راهبرد کلان این کشور در منطقه آسیا-اقیانوس آرام است، مبتنی بر تلاش برای برقراری تعامل موثر و چند بعدی با بازیگران درون منطقه‌ای می‌باشد. اقداماتی مبنی بر نشان دادن تعهد آمریکا در برابر امنیت متحدان منطقه‌ای در برابر روند گسترش نفوذ و قدرت‌گیری چین و تقویت حضور نظامی و انعقاد پیمانهای امنیتی با متحدان دورن منطقه‌ای، اساس این راهبرد را تشکیل می‌دهند. از منظر امریکایی‌ها، هرچند که این پیمانهای امنیتی جدید ممکن است موجب تغییر رفتار چین نشوند، اما می‌توانند موجب برقراری توازن قوا و تقویت موقعیت آمریکا در منطقه شوند.

3. <https://www.hillaryclinton.com/issues/2016>.

4. Marcel Angliviel de la Beaumelle, and Dr. Patrick M. Cronin, "How the Next US President Should Handle the South China Sea", 2016, Available at: <https://www.cnas.org/publications/blog/how-the-next-us-president-should-handle-the-south-china-sea>.

از سوی دیگر، واشنگتن ممکن است در آینده در ارتباط با چین از ابزارهای اقتصادی نیز بهره‌گیری نماید. جلوگیری از انتقال تکنولوژی و ایجاد محدودیت در برابر ورود کالاهای چینی به بازار امریکا، می‌تواند بخشی از این فشارها باشد. چنین اقدام‌هایی در واقع می‌تواند به معنای کار بست توامان دیپلماسی سخت به همراه اهرم‌های اقتصادی به منظور تغییر رفتار و یا در بلند مدت، مهار چین در حوزه‌های پیرامونی تلقی شود. به عبارت دیگر، احتمالاً دولت آینده امریکا در رابطه با چین، درصدد بهره‌گیری همزمان از ابزارهای قدرت سخت و نرم این کشور برای کنترل روند قدرت‌یابی چین بر خواهد آمد.

از منظر استراتژیست‌های امریکایی، ظرفیت‌های جنوب شرق آسیا و روند تحولات در این منطقه بگونه‌ای است که عدم برخورداری از یک استراتژی جامع، می‌تواند این کشور را طی سالهای آتی با چالش‌های سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی جدی مواجه سازد. از این رو بنظر می‌رسد دولت آینده امریکا بلافاصله در نخستین اقدام، نشانه‌ها و پیام‌های مشخصی مبنی بر ادامه سیاست تمرکز بر منطقه آسیا-اقیانوس آرام بطور عام و جنوب شرق آسیا بطور خاص، برای کشورهای این منطقه ارسال نماید.

